A Comparative Re-examination of the Semantic Network of the "Verse of Trust" (Surah An-Nisa, Verse 58) from the Perspectives of Islamic Schools of Thought (Shi'a and Sunni) and Its Governance Implications in Light of Social Trust Theories

Nematollah Firouzi[1], Mahdieh Sadat Kazemi[2]
Received: 7/12/1404 Accepted: 5/03/1405

Abstract

Quranic studies often employ a methodology based on the comparative conceptual analysis of key terms and phrases-an approach that, by focusing on the pivotal vocabulary of the verses, helps uncover the semantic networks embedded within them. Adopting a descriptive-analytical and interdisciplinary approach, this article examines the exegesis of the phrase "tūaddū al-amānāt ilā ahlihā" (render the trusts to their rightful owners) from Surah An-Nisa, Verse 58, as interpreted by scholars from both major Islamic schools of thought. In an innovative step, the study correlates these exegetical findings with contemporary sociological theories-specifically Niklas Luhmann's theory of "social differentiation" and discussions on "social trust." The research reveals that the interpretations from both Islamic schools regarding this verse can be categorized into four main approaches: an absolute conception of "trust" (*amānah*); interpreting trust as governance and leadership; construing it as divine teachings and knowledge; and focusing on identifying the rightful recipients of the trust (meritocracy). An interdisciplinary analysis of these perspectives demonstrates that Surah An-Nisa, Verse 58, transcends a mere moral injunction; rather, it seeks to establish a "trust-based governance system" grounded in specialized meritocracy and institutional justice-a model that offers valuable insights for analyzing and mitigating some of the most critical challenges concerning governance and social trust in contemporary societies.

Key words: Social trust, Verse ۵۸ of Surah An-Nisa, trustworthiness, semantic network, governance, meritocracy, comparative exegesis (Shi'a and Sunni).

1 . Assistant Professor and Faculty Member, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (Corresponding Author); firoozi@imamreza.ac.ir.

2 . Continuous Master's student of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University (AS), Mashhad, Iran; mahdiye.kazemi@imamreza.ac.ir.

إعادة قراءة مقارنة لآية الأمانة (الآية ٥٨ من سورة النساء) من منظور الفريقين ودلالاتها في الحوكمة في ضوء نظريات الثقة الاجتماعية

نعمت‌الله فيروزي[١]

مهدية سادات كاظمي[٢]

تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/١٢/٧ تاريخ القبول: ١٤٠٥/٠٣/٥

الملخص

إعتمدت البحوث القرآنية أحد مناهجها على المفهوم الدلالي المقارن للألفاظ والتعابير المحورية، وهو منهج يركز على المفردات المحورية في الآيات، بما يسهم في الكشف عن الشبكة الدلالية الكامنة في ثناياها. تتناول هذه الدراسة، بمنهج وصفي- تحليلي ومتعدد التخصصات، الدراسة التفسيرية لعبارة «تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» الواردة في الآية ٥٨ من سورة النساء، من منظور مفسري الفريقين، ثم، في خطوة ابتكارية، تقارن النتائج التفسيرية بالنظريات السوسيولوجية المعاصرة، ولا سيما نظرية «التمايز الاجتماعي» لنيكلاس لومان، إلى جانب مباحث «الثقة الاجتماعية». وتُظهر نتائج البحث أن تفاسير الفريقين في تفسير هذه الآية يمكن تصنيفها ضمن أربعة اتجاهات رئيسة: الفهم المطلق للأمانة، وتفسير الأمانة بالحكومة وتولّي زمام الحكم، وتأويلها بالتعاليم والمعارف الإلهية، والتركيز على تحديد مصاديق أصحاب الأمانة (الجدارة والاستحقاق). ويكشف التحليل المتعدد التخصصات لهذه الاتجاهات أن الآية ٥٨ من سورة النساء تتجاوز كونها مجرد حكم أخلاقي، لتسهم في بناء «نظام حوكمة قائم على الأمانة» يرتكز على الجدارة والتخصص والعدالة المؤسسية؛ وهو نموذج يمكن أن يسهم في تحليل بعض أبرز التحديات المرتبطة بالحوكمة والثقة الاجتماعية في المجتمعات المعاصرة، والحدّ منها.

الكلمات المفتاحية: الثقة الاجتماعية، الآية ٨٥ من سورة النساء، الأمانة، الشبكة الدلالية، الحوكمة، الجدارة والاستحقاق، التفسير المقارن للفريقين.

١. أستاذ مساعد وعضو هيئة التدريس في قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة الإمام الرضا الدولية، مشهد، إيران (الباحث المسئول)؛ firoozi@imamreza.ac.ir.

٢. طالبه ماجستير متصل في الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة الإمام الرضا الدولية، مشهد، إيران؛ mahdiye.kazemi@imamreza.ac.ir.

بازخوانی تطبیقی آیه امانت (آیه ۵۸ سوره نساء) از منظر فریقین و دلالت‌های حکمرانی آن با نظریات اعتماد اجتماعی

نعمت‌الله فیروزی[۱]

مهدیه سادات کاظمی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵

چکیده

پژوهش‌های قرآنی، یکی از روش‌های خود را بر مبنای مفهوم‌شناسی تطبیقی واژگان و عبارات کلیدی بنا نهاده‌اند؛ روشی که با تمرکز بر واژگان محوری آیات، به کشف شبکه معنایی نهفته در بطن آنها کمک می‌کند. مقاله حاضر با رویکردی توصیفی- تحلیلی و بین‌رشته‌ای، به بررسی تفسیری عبارت «تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» در آیه ۵۸ سوره نساء از منظر مفسران فریقین می‌پردازد و در گامی نوآورانه، یافته‌های تفسیری را با نظریات جامعه‌شناختی معاصر، به‌ویژه نظریه «تفکیک‌یافتگی اجتماعی» نیکلاس لومان و مباحث «اعتماد اجتماعی» تطبیق می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفاسیر فریقین در ذیل این آیه، در چهار رویکرد اصلی قابل طبقه‌بندی است: برداشت مطلق از امانت، تفسیر امانت به حکومت و زمامداری، تأویل آن به تعالیم و معارف الهی، و تمرکز بر مصداق‌یابی صاحبان امانت (شایسته‌سالاری). تحلیل بین‌رشته‌ای این دیدگاه‌ها آشکار می‌سازد که آیه ۵۸ سوره نساء، فراتر از یک حکم اخلاقی صرف، درصدد بنای یک «نظام حکمرانی امانی» مبتنی بر شایسته‌سالاری تخصصی و عدالت نهادی است؛ الگویی که می‌تواند در تحلیل و کاهش برخی از مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با حکمرانی و اعتماد اجتماعی در جوامع معاصر راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، آیه ۵۸ سوره نساء؛ امانت‌داری، شبکه معنایی، حکمرانی، شایسته‌سالاری، تفسیر تطبیقی فریقین.

۱. استادیار و هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران (نویسنده‌مسئول)؛ firoozi@imamreza.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران؛ mahdiye.kazemi@imamreza.ac.ir

۱. بیان مسئله

یکی از ابعاد مهم مطالعات قرآنی، مفهوم‌شناسی واژگان و تحلیل شبکه معنایی آیات است. در این میان، آیه ۵۸ سوره نساء با تأکید بر دو فرمان بنیادین «ادای امانات به اهلش» و «حکم به عدالت»، از کلیدی‌ترین آیات قرآن در حوزه اخلاق فردی و اجتماعی و نیز مبانی حکمرانی اسلامی به شمار می‌آید. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾.

در فرهنگ قرآنی، «امانت» مفهومی گسترده دارد و تمام شئون زندگی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد. امانت‌داری و رفتار عادلانه، از نشانه‌های مهم ایمان شمرده شده است و در مقابل، خیانت در امانت، از علائم نفاق محسوب می‌گردد. در روایات نیز بر این مهم تأکید شده است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید؛ بلکه به راست‌گویی و امانت‌داری آنان بنگرید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۱۰۴). مفسران فریقین در طول تاریخ تفسیر، دیدگاه‌های متنوعی درباره مصادیق «امانت» و «اهلها» در این آیه ارائه کرده‌اند. برخی امانت را به معنای مطلق هرگونه امانت مادی و معنوی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۶۰۲؛ طبرسی، ۱۳۶۷، ج۳، ص۹۸؛ قمی، ۱۳۶۳، ج۱، ص۱۴۱ و ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۲۹۸). گروهی آن را ناظر به مناصب حکومتی و قضاوت و تفسیر کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج۵، ص۲۵۵ و مفید، ۱۳۸۲، ج۱، ص۱۵۳)؛ عده‌ای امانت را به معارف و تعالیم الهی تأویل برده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۶۰۲ و فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج۱، ص۴۶۱) و دسته‌ای دیگر بر شناسایی «صاحبان امانت» و معیارهای شایستگی تمرکز کرده‌اند. این تکثر تفسیری، ضرورت یک مطالعه تطبیقی نظام‌مند را آشکار می‌سازد (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج۱، ص۴۶۱ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج۵، ص۲۵۵).

از سوی دیگر، در جهان معاصر، مفاهیمی چون «اعتماد اجتماعی» و «سرمایه نهادی» به‌عنوان زیرساخت‌های پایداری جوامع، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. نظریه‌پردازانی همچون نیکلاس لومان، جیمز کلمن و فرانسیس فوکویاما بر این باورند که بدون اعتماد متقابل میان مردم و نهادها، نظم اجتماعی فرو می‌پاشد (لومان، ۱۹۷۹م؛ کلمن، ۱۳۷۷ و فوکویاما، ۱۳۸۵). آیت‌الله جوادی آملی نیز در تبیین این پیوند می‌نویسد: «اعتماد اجتماعی یکی از سرمایه‌های اصلی جامعه انسانی است. اگر در جامعه، بین مسئولان و مردم، اعتماد متقابل وجود نداشته باشد، گسست اجتماعی به وجود می‌آید و نظام اجتماعی فرو خواهد ریخت» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص۱۲۴-۱۳۵). بااین‌حال، خلأ قابل‌توجهی در ادبیات پژوهشی موجود دیده می‌شود؛ چراکه اغلب مطالعات تفسیری، به بررسی درون‌متنی آیه بسنده کرده و کمتر به پیوند این مفاهیم قرآنی با نظریات علوم اجتماعی پرداخته‌اند. به‌عبارت‌دیگر، ظرفیت بین‌رشته‌ای آیه ۵۸ سوره نساء در تولید یک «نظریه حکمرانی امانی» مبتنی بر اعتماد اجتماعی و

شایسته‌سالاری، کمتر مورد کاوش قرار گرفته است. براین‌اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: شبکه معنایی عبارت «تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» در تفاسیر فریقین چگونه ترسیم می‌شود؟ و این شبکه چه ارتباطی با نظریات اعتماد اجتماعی و حکمرانی معاصر، به‌ویژه نظریه اعتماد اجتماعی و تفکیک‌یافتگی لومان دارد؟

۲. پیشینه پژوهش و نوآوری

پژوهش‌های متعددی در حوزه تفسیر آیه ۵۸ سوره نساء و مفهوم امانت‌داری صورت گرفته است که می‌توان آنها را در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

الف) پژوهش‌های تفسیری: در این دسته، مفسران فریقین به تبیین ابعاد مختلف آیه پرداخته‌اند. علامه طباطبایی در *المیزان* با رویکردی جامع؛ امانت را مفهومی گسترده دانسته است که شامل امانات مادی، معنوی، فردی و اجتماعی می‌شود. ایشان پیوند میان «ادای امانت» و «حکم به عدل» را نشانگر ارتباط وثیق این دو فرمان الهی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۵۷۶-۶۰۲). مکارم شیرازی در *تفسیر نمونه* نیز این دو قانون را زیربنای جامعه سالم معرفی کرده است و تأکید دارد که هیچ جامعه‌ای بدون اجرای این دو اصل، سامان نمی‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۴۳۰). در میان مفسران اهل‌سنت، فخر رازی در *التفسیر الکبیر* بر جامعیت مفهوم امانت تأکید کرده (فخر رازی، ۲۰۰۰م، ج۱۰، ص۱۰۰-۱۰۲) و قرطبی در *الجامع لأحکام القرآن*، حکومت و قضاوت را بزرگ‌ترین مصادیق امانت الهی برشمرده است (قرطبی، ۱۹۶۴م، ج۵، ص۲۶۳).

ب) پژوهش‌های فقهی-اخلاقی: در این حوزه، خشنودی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «امانت‌داری و آثار فردی و اجتماعی آن در اخلاق و فقه»، به بررسی جایگاه امانت‌داری در منظومه فقهی و اخلاقی اسلام پرداخته است. وی با استناد به روایات؛ امانت‌داری را یکی از زیرساخت‌های مهم فرهنگی رشد جامعه دانسته و بر پیوند آن با اعتماد اجتماعی تأکید کرده است. همچنین جوادی آملی (۱۴۴۴ق) در کتاب *حق و تکلیف در اسلام*، ضمن تبیین گستره امانت (امانت الهی؛ امانت پیامبر؛ امانت مردم)، بر نقش امانت‌داری در جلب اعتماد اجتماعی، برقراری امنیت و آرامش، و جلب محبت میان افراد تأکید کرده است. ایشان با استناد به *نهج‌البلاغه*، مسئولیت‌های حکومتی را امانتی الهی دانسته است که باید به شایستگان سپرده شود.

ج) پژوهش‌های بین‌رشته‌ای: کریمی (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل متنی سندی روایات جری و تطبیق پیرامون آیه ۵۸ سوره نساء» که در دوفصلنامه علمی *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی* منتشر شده، به بررسی این آیه با تمرکز بر روایات تفسیری پرداخته است. نویسنده با بهره‌گیری از تحلیل متنی و سندی، روایات مرتبط با «جری و تطبیق» آیه را در تفاسیر روایی بررسی کرده و ضمن ارزیابی محتوایی و سندی آنها، بر نقش امانت و مسئولیت در سامان‌دهی

امور جامعه و ضرورت توجه به اعتبار روایات تفسیری در فهم دلالت آیه تأکید کرده است. در حوزه نظریات اجتماعی اعتماد نیز پژوهش‌های قابل‌توجهی صورت گرفته است. معیدفر و جهانگیری (۱۳۸۸) در مقاله «اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، به بررسی نظریات لومان، کلمن، گیدنز، فوکویاما و زتومکا درباره اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. بر اساس این پژوهش، لومان کارکرد اعتماد را کاهش عدم تعین اجتماعی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری رفتارها می‌داند. همچنین چلبی (۱۳۷۵) در کتاب *جامعه‌شناسی نظم*، بر نقش تعاملات اظهاری (روابط گرم) در شکل‌گیری اعتماد تأکید کرده و ترکیب مناسب روابط اظهاری و ابزاری را کلید گسترش اعتماد در جامعه دانسته است. علاوه بر این، در حوزه حکمرانی اسلامی نیز درویشی (۱۳۹۵) در مقاله «حاکم شایسته از منظر نهج‌البلاغه» به بررسی ویژگی‌ها و وظایف حاکم شایسته پرداخته است. وی با استناد به نامه ۵ *نهج‌البلاغه*، «امانت‌داری» را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حاکم شایسته دانسته و نقل کرده است که امام علی علیه‌السلام خطاب به اشعث‌بن‌قیس فرمودند: «إنّ عملک لیس لک بطُعمَةٍ و لکنّه فی عُنُقِک أمانَةٌ؛ کار تو طعمه‌ای برایت نیست؛ بلکه امانتی است بر گردنت» (نهج‌البلاغه، نامه ۵). این نگاه، حکومت را از ملک شخصی به «امانت عمومی» تغییر ماهیت می‌دهد.

با مرور پیشینه پژوهش می‌توان دریافت اغلب مطالعات تفسیری، بر تبیین درون‌متنی آیه تمرکز کرده و کمتر به تحلیل بین‌رشته‌ای پرداخته‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های جامعه‌شناختی در حوزه اعتماد اجتماعی نیز عمدتاً مستقل از مباحث قرآنی صورت گرفته است. خلأ اصلی در ادبیات موجود، فقدان یک مطالعه تطبیقی نظام‌مند است که دیدگاه‌های تفسیری فریقین درباره آیه ۵۸ سوره نساء را با نظریات جامعه‌شناختی معاصر، به‌ویژه نظریه تفکیک‌یافتگی لومان و مباحث اعتماد اجتماعی پیوند دهد. پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ است و تلاش می‌کند با رویکردی بین‌رشته‌ای، ظرفیت‌های نهفته در این آیه را برای تولید یک «نظریه حکمرانی امانت‌محور» آشکار سازد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر ازنظر هدف، در زمره پژوهش‌های «توسعه‌ای- کاربردی» و ازنظر ماهیت و روش، یک تحقیق «توصیفی- تحلیلی» است که با رویکردی «بین‌رشته‌ای» سامان یافته است. فرایند اجرای این پژوهش در سه مرحله اساسی زیر دنبال شده است:

الف) گردآوری داده‌ها: داده‌های موردنیاز در بخش تفسیری، با روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به تفاسیر اصیل و معتبر فریقین (اعم از مأثور، عقلی و اجتهادی) استخراج شده است. در بخش جامعه‌شناختی نیز با فیش‌برداری

از متون کلاسیک و معاصر، نظریات اعتماد و سیستم‌ها (به‌ویژه آثار نیکلاس لومان، جیمز کلمن و چلبی) و مبانی نظری استخراج گردید.

ب) واکاوی شبکه معنایی: در این مرحله با استفاده از روش «تحلیل محتوا» و کالبدشکافی واژگان محوری آیه (أداء؛ امانت، اهل)، شبکه معنایی آیه ۵۸ سوره نساء ترسیم شد تا لایه‌های مختلف معنایی آن از منظر مفسران آشکار گردد. در این فرایند، ابتدا واژگان کلیدی آیه (أداء؛ امانت، اهل) استخراج و از حیث ریشه لغوی، کاربرد قرآنی و دلالت تفسیری بررسی شد. سپس با تحلیل روابط مفهومی میان این واژگان در سیاق آیه و نیز در ارتباط با آیات همسو، شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط، همچون عدالت، شایسته‌سالاری، مسئولیت، اعتماد و حکمرانی استخراج گردید. در این مرحله، تمرکز پژوهش، بر کشف پیوندهای معنایی و کارکردی میان مفاهیم محوری آیه بوده است.

ج) تحلیل تطبیقی و تلفیقی: در گام نهایی، با بهره‌گیری از روش «تلفیق نظری»، یافته‌های حاصل از تفاسیر فریقین، در کنار مفاهیم مدرن علوم اجتماعی قرار گرفت. در این مرحله تلاش شد تا با روش «قیاسی»، انطباق میان آموزه‌های وحیانی آیه با نظریاتی همچون «تفکیک‌یافتگی اجتماعی» و «اعتماد تعمیم‌یافته» تبیین گردد تا درنهایت، به طراحی الگوی «نظام حکمرانی امانت‌محور» منجر شود. شایان ذکر است که در این پژوهش، مقصود از تطبیق آموزه‌های قرآنی با نظریات جامعه‌شناختی، ادعای همسانی مبنایی و معرفت‌شناختی میان دو دستگاه فکری نیست؛ بلکه هدف، بهره‌گیری تحلیلی از برخی ظرفیت‌های مفهومی علوم اجتماعی برای تبیین کارکردهای اجتماعی آموزه‌های قرآنی است. ازاین‌رو، مشابهت‌های مفهومی مطرح‌شده، ناظر به برخی کارکردها و دلالت‌هاست، نه یکسانی کامل در مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی.

۴. مفهوم‌شناسی

فهم دقیق شبکه معنایی آیه ۵۸ سوره نساء، در گرو تحلیل لغوی و اصطلاحی واژگان کلیدی آن است. در این بخش، سه واژه محوری أداء؛ امانت و اهل از منظر لغوی، قرآنی و اصطلاحی واکاوی می‌شوند تا زیربنای تحلیل‌های تفسیری و بین‌رشته‌ای در بخش‌های آتی فراهم آید.

۴-۱. أداء (تُؤَدُّوا)

واژه أداء از ریشه أدی به معنای رساندن، پرداختن و وفای به حق است. راغب در *مفردات الفاظ القرآن*، اصل این کلمه را از أداة به معنای وسیله و ابزار دانسته است و می‌نویسد: الأداء دفع الحقّ دفعةً و توفیته؛ یعنی أداء، پرداخت کامل و یک‌باره حق است، همچون پرداخت جزیه یا بازگرداندن امانت (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۱۶۱). صاحب *تهذیب اللغة* نیز همین معنا را تأیید کرده است و می‌گوید در زبان عرب گفته می‌شود: «فلانٌ أدّی ما علیه»؛

یعنی فلانی آنچه بر عهده‌اش بود (از دَین یا امانت) را به طور کامل ادا کرد (ازهری، ۱۳۸۰ق، ج۱۴، ص۱۶۲). همچنین «أداء» به معنای وفا کردن و پرداختنِ حق دانسته شده است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج۱، ص۲۱۲). نکته مهم در این واژه، جنبه وجوب و الزام است؛ زیرا در آیه مورد بحث، خداوند با فعل «یَأْمُرُکُم» این أداء را به‌صورت یک فرمان قطعی و لازم‌الاجرا بیان فرموده است، نه یک توصیه اخلاقی صرف. بنابراین، «تُؤدّوا» در آیه ۵۸ سوره نساء، فراتر از یک توصیه ساده، فرمانی مؤکد بر استیفای کامل حقوق صاحبان امانت و بازگرداندن آن به ایشان است.

ازنظر کاربرد قرآنی، ریشه أدی و مشتقات آن، مجموعاً شش بار در پنج سوره و پنج آیه از قرآن کریم به کار رفته است؛ ازجمله: **أَدُّوا** (دخان:۱۸)، **تُؤَدُّوا** (نساء:۵۸)، **فَلْيُؤَدِّ** (بقره:۲۸۳) و **يُؤَدِّهِ** (آل‌عمران:۷۵) (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۸۸، ج۱، ص۷۱۵). بررسی این موارد نشان می‌دهد که این واژه همواره در سیاق حق و حقوق به کار رفته و بر ضرورت بازگرداندن کامل آنچه متعلق به دیگری است، تأکید دارد.

۲-۴. امانت (الْأَمَانَاتِ)

واژه امانت، از ریشه أمن مشتق شده که در لغت به معنای آرامش خاطر، اطمینان نفس و زوال ترس است. صاحب *المفردات* می‌نویسد: «الأمن فی الأصل: طمأنینة النفس و زوال الخوف؛ أمن در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس است». وی امانت را آنچه انسان بر حفظ و نگهداری‌اش مأمور شده است، تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۹۵). امانت همچنین چیزی دانسته شده است که بر آن اعتماد می‌شود (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج۱، ص۳۲۴). بنابراین؛ امانت در لغت، چیزی است که صاحبش با اطمینان خاطر و بدون ترس از خیانت، آن را به دیگری می‌سپارد.

ازنظر گستره معنایی؛ امانت در فرهنگ قرآنی مفهومی بسیار وسیع دارد که تمام شئون زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد. مفسران و فقها انواع متعددی برای امانت برشمرده‌اند که می‌توان آنها را در سه سطح کلان طبقه‌بندی کرد:

الف) امانت‌های الهی: این دسته شامل آن چیزهایی است که خداوند به انسان سپرده و انسان در قبال آنها مسئول است. بر اساس آیه ۷۲ سوره احزاب: ﴿**إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ**﴾، خداوند امانتی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشت که آنها از پذیرش آن سر باز زدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید. مفسران در تعیین مصداق این امانت، اختلاف‌نظر دارند. برخی آن را ولایت الهی، برخی عقل و اختیار، و برخی دیگر تکالیف و فرایض الهی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۱۶، ص۳۴۹-۳۵۲ و طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج۸، ص۵۸۴-۵۸۵). برخی از مفسران معاصر بر این باورند که اعضای بدن انسان نیز از امانات الهی هستند که باید در راه مشروع به کار گرفته شوند (جوادی آملی، ۱۴۴۴ق، ج۱، ص۲۶۸-

۲۶۹). در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ امانت مذکور در آیه احزاب، بیشتر به ولایت و امامت تفسیر شده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج۴، ص۴۹۹-۵۰۲).

ب) امانت‌های مردمی: این دسته شامل اموال، اسرار، عهد و پیمان و هرگونه حقی است که مردم به یکدیگر می‌سپارند. آیه ۲۸۳ سوره بقره با عبارت ﴿فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ﴾، بر ضرورت بازگرداندن این امانات تأکید دارد. صاحب *مجمع البیان* این آیه را ناظر به مسئولیت امین در حفظ و بازپس‌دادن اموال مورد امانت می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۲، ص۷۸۹). همچنین سیوطی با نقل روایاتی از ابن‌مسعود، دایره امانت را به امانت در نماز، غسل، سخن، پیمانه و وزن گسترش می‌دهد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۲، ص۱۷۴).

ج) امانت‌های ساختاری و حکومتی: این دسته شامل مناصب، مسئولیت‌ها و اسرار نظام اجتماعی است. در نگاه اسلامی، مناصب حکومتی نه ملک شخصی؛ بلکه امانت الهی و مردمی هستند که باید به شایستگان سپرده شوند. این نگاه، در سیره علوی نیز بازتاب یافته است؛ آنجا که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در فرمانی به یکی از کارگزاران خود (که پیشتر نیز به آن اشاره شد)، مسئولیت حکومتی را امانتی سنگین بر گردن او می‌شمارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵). این روایت به‌روشنی نشان می‌دهد که در نگاه اسلامی، مناصب حکومتی، نه ملک شخصی؛ بلکه امانت الهی و مردمی هستند که باید به شایستگان سپرده شوند.

ازنظر کاربرد قرآنی؛ امانت و مشتقات آن در قرآن کریم، ۲۱ بار به کار رفته (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج۱، ص۱۳۶) که نشان‌دهنده اهمیت بنیادین این مفهوم در نظام معرفتی اسلام است. واژه امانت به‌صورت مفرد یا جمع، در آیاتی همچون احزاب:۷۲، نساء:۵۸، بقره:۲۸۳، مؤمنون:۸ و معارج:۳۲ به کار رفته است.

۳-۴. اهل (أَهْلِهَا)

واژه أهل در لغت به معنای کسانی است که با یکدیگر در یک مسکن زندگی می‌کنند و میان آنها انس و الفت وجود دارد. صاحب *المفردات* می‌نویسد: «أهلُ الرّجل» در اصل کسانی هستند که مسکن و خانه‌ای واحد، آنها را گرد هم آورده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۱۹). سپس این واژه به طور مجازی به کسانی اطلاق شده است که دارای نسب، دین، علم یا تخصص مشترک هستند. در *قاموس قرآن* نیز تأکید شده است که اهل در صورتی به کار می‌رود که میان یک عده افراد، پیوند و جامعِ مشترکی وجود داشته باشد؛ مانند اهل کتاب، اهل علم و اهل مذهب (قرشی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۱۳۵). اهل مرد نیز خانواده و پیروان او دانسته شده است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج۱، ص۳۴۵). در آیه ۵۸ سوره نساء، «أهلها» به معنای صاحبان واقعی و شایسته امانت است؛ یعنی کسانی که استحقاق و صلاحیت دریافت امانت را دارند. این تعبیر قرآنی، در خود، معیار شایسته‌سالاری را نهفته دارد؛ چراکه امانت نباید به هرکسی سپرده شود؛ بلکه باید به اهلش بازگردانده شود. قرآن کریم در موارد متعددی

این معیار را برجسته کرده است. برای مثال، در داستان حضرت موسی علیه‌السلام، یکی از دختران شعیب علیه‌السلام پیشنهاد می‌کند که موسی را به کار بگیرند؛ چراکه او ﴿الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قوی و امین) است (قصص:۲۶). همچنین حضرت یوسف علیه‌السلام برای تصدی خزانه‌داری مصر، خود را ﴿حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (نگهبان و دانا) معرفی می‌کند (یوسف:۵۵). این آیات نشان می‌دهند که اهل بودن برای یک مسئولیت، مستلزم دو رکن اساسی است: توانایی تخصصی (علم و قدرت) و امانت‌داری (صداقت و تقوا).

بررسی مجموع این واژگان در کنار یکدیگر، شبکه معنایی منسجمی را آشکار می‌سازد. در آیه ۵۸ سوره نساء، خداوند با صیغه امر (يَأْمُرُكُم) فرمان می‌دهد که امانات (جمع محلّی به ال، دال بر عموم) به صاحبان شایسته‌شان (أهلها) بازگردانده شود و در ادامه، بلافاصله فرمان به حکم به عدل می‌دهد. این پیوند میان ادای امانت و عدالت نشان می‌دهد که در نظام حکمرانی قرآنی، تحقق عدالت در گرو سپردن امانات (اعم از مناصب، اموال و مسئولیت‌ها) به افراد شایسته است. به‌عبارت‌دیگر، ادای امانت به اهلش مقدمه و زیربنای تحقق عدالت در جامعه است و این دو فرمان، در یک رابطه علّی با یکدیگر قرار دارند.

این شبکه معنایی، در آیات دیگر قرآن نیز تقویت می‌شود که در ادامه بدان نیز پرداخته خواهد شد. در آیه ۲۸۳ سوره بقره، ادای امانت با تقوای الهی پیوند خورده است: ﴿فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ﴾. در آیات ۸ سوره مؤمنون و ۳۲ سوره معارج نیز رعایت امانات و عهد، از صفات برجسته مؤمنان واقعی و نمازگزاران حقیقی برشمرده شده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾. این شبکه معنایی گسترده نشان می‌دهد که امانت‌داری در قرآن یک اصل بنیادین نظم اجتماعی است که بدون آن، نه تقوا محقق می‌شود، نه عدالت برقرار می‌گردد و نه ایمان به کمال می‌رسد.

۵. زمینه‌شناسی آیه؛ مفاد سوره نساء، شأن نزول و شبکه مفاهیم همسو در قرآن

پیش از ورود به تحلیل فقه‌الحدیثیِ روایت «لا یجتمع المال» و آیه ۵۸ نساء، تبیین زمینه‌های نزول و محتوای کلی سوره ضروری است؛ زیرا آیه شریفه در سوره‌ای نازل شده که محور آن، حقوق اجتماعی و حکمرانی است؛ ازاین‌رو، ابتدا مفاد کلی سوره نساء و سپس شأن نزول آیه بررسی می‌شود.

۵-۱. مفاد کلی سوره نساء

سوره نساء چهارمین سوره قرآن کریم و از سوره‌های مدنی است که دارای ۱۷۶ آیه، ۳۷۴۵ کلمه و ۱۶۰۳۰ حرف می‌باشد. این سوره در زمانی نازل شد که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله درصدد تأسیس و تثبیت ارکان حاکمیت اسلامی بود؛ ازاین‌رو بسیاری از احکام مربوط به حقوق اجتماعی، خانواده و حکمرانی در آن جای گرفته است. مکارم

شیرازی مباحث این سوره را به موارد ذیل تقسیم می‌کند: دعوت به ایمان و عدالت و قطع رابطه دوستانه با دشمنان، سرگذشت پیشینیان برای عبرت، حمایت از کسانی که نیازمند کمک هستند؛ مانند یتیمان، قانون ارث بر اساس روش طبیعی و عادلانه، قوانین ازدواج و حفظ عفت عمومی، قوانین کلی برای حفظ اموال عمومی، کنترل و نگهداری خانواده، حقوق و وظایف متقابل افراد جامعه، معرفی دشمنان جامعه اسلامی، حکومت اسلامی و لزوم اطاعت از رهبر این حکومت، تشویق به جهاد، معرفی دشمنان زیرزمینی، اهمیت هجرت، و مجدداً مباحث ارث (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۲۴۲). همچنین رضایی اصفهانی محورهای سوره نساء را قانونمند کردن جامعه اسلامی، حمایت از افراد کم‌توان، بیداری در مقابل دشمنان و تثبیت حکومت اسلامی می‌داند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج۴، ص۱۹). صاحب *مجمع البیان* نیز روایتی نقل می‌کند که امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند: «هرکس سوره نساء را در روزهای جمعه بخواند، از فشار قبر ایمن خواهد بود». این روایات نشان‌دهنده اهمیت این سوره در نظام معرفتی اسلام است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج۵، ص۴).

سوره نساء یکی از هفت سوره طولانی قرآن (سبع طوال) به شمار می‌آید که شامل بقره، آل‌عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف و یونس هستند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «خداوند هفت سوره طوال را به‌جای تورات، و سوره‌های مئین را به‌جای انجیل، و سوره‌های مثانی را به‌جای زبور به من داد، و مرا با دادن سوره‌های مفصّل فزونی بخشید» (طبری، ۱۴۲۲ق، ج۱، ص۹۷).

۲-۵. شأن نزول آیه

در خصوص شأن نزول آیه ۵۸، مفسران فریقین روایات متعددی نقل کرده‌اند. مشهورترین آنها مربوط به واقعه فتح مکه و بازگرداندن کلید کعبه به عثمان‌بن‌طلحه است. صاحب *مجمع البیان*، طبری و در *تفسیر کبیر* نیز نقل می‌کنند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام فتح مکه، کلید کعبه را از عثمان‌بن‌طلحه گرفت و پس از آنکه عباس یا علی علیهماالسلام درخواست دائمی شدن این مسئولیت را کردند، این آیه نازل شد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله کلید را به عثمان بازگرداند و فرمود: «این را بگیرید، جاودانه و باقی، و کسی جز ظالم آن را از شما نخواهد گرفت» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۳، ص۹۸؛ طبری، ۱۴۲۲ق، ج۷، ص۱۶۸ و فخر رازی، ۲۰۰۰م، ج۱۰، ص۱۰۰). قول دیگر این است که آیه در مورد واقعه ابولبابه نازل شده است که اسرار مسلمانان را افشاء کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۴۳۰). اما علامه طباطبایی معتقد است باوجود این شأن‌های نزول خاص، آیه دارای اطلاق است و تمام موارد امانت‌داری را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۵۷۶). باتوجه‌به تعدد روایات، به نظر می‌رسد که قول راجح، همان اطلاق آیه باشد؛ چراکه محوریت آیه را از انحصار در یک مصداق تاریخی فراتر می‌برد و با اینکه شأن‌های نزول خاص نیز مطرح شده است؛ اما اینها مانع از عمومیت حکم نیستند.

بررسی موقعیت آیه ۵۸ در میان آیات پیشین و پسین، دلالت‌های حکمرانی آن را برجسته می‌سازد. آیات ۴۴ تا ۵۷ سوره نساء، به انحرافات اهل کتاب می‌پردازند؛ ازجمله: خرید ضلالت و گمراه کردن دیگران (آیه ۴۴)، تحریف کلام (آیه ۴۶)، ایمان به جبت و طاغوت (آیه ۵۱)، و ادعای برتری کافران بر مؤمنان (آیه ۵۱). علامه طباطبایی معتقد است که آیه ۵۸ درواقع پاسخی الهی به این انحرافات است؛ به این معنا که قرآن پس از توبیخ خیانت اهل کتاب در کتمان حقایق و داوری ناعادلانه، الگوی صحیح را با دو فرمان «ادای امانت» و «حکم به عدل» ترسیم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۵۷۶).

پیوند آیه ۵۸ با آیه ۵۹ (﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾) نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این ترتیب ساختاری نشان می‌دهد که آیه ۵۸ وظایف حاکمان (ادای امانت و عدالت) را بیان می‌کند و آیه ۵۹ وظایف مردم (اطاعت از رهبری شایسته) را. صاحب *مجمع البیان* از روایتی نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «دو آیه است که یکی برای ما و یکی برای شماست: آیه ۵۸ خطاب به حاکمان و آیه ۵۹ خطاب به مردم است» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج۳، ص۹۸). این روایت نشان می‌دهد که مشروعیت اطاعت از اولی‌الامر، در گرو تحقق امانت و عدالت از سوی کارگزاران است. بنابراین، آیه مورد بحث نه یک دستور اخلاقی پراکنده؛ بلکه هسته مرکزی نظام سیاسی قرآن است که در آن، قدرت به مثابه امانتی الهی تعریف شده که بازگرداندن آن به «اهلش» (شایستگان)، شرط لازم برای حکمرانی عادلانه است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش، دستاوردهای حاصل از تحلیل تطبیقیِ تفاسیر فریقین ذیل آیه ۵۸ سوره نساء، در دو سطح «دلالت‌های تفسیری- اجتماعی» و «نظام‌واره‌ای» ارائه می‌شود. آرای مفسران در چهار رویکرد اصلی دسته‌بندی شده و سپس با نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر، در بستر حکمرانیِ امانت‌محور بازخوانی می‌گردد.

۶-۱. دلالت‌های تفسیری- اجتماعی

تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری و بازخوانی بین‌رشته‌ای مطالعه تطبیقی تفاسیر فریقین ذیل آیه ۵۸ سوره نساء نشان می‌دهد که آرای مفسران، حول چهار رویکرد اصلی طبقه‌بندی می‌شود. در این بخش، ابتدا هر دیدگاه از منظر مفسران واکاوی می‌شود و سپس با نظریات جامعه‌شناختی معاصر در بستر نظام حکمرانی امانت‌محور تحلیل می‌گردد.

۶-۱-۱. دیدگاه اول: شمول‌گرایی در مفهوم امانت و بازتولید اعتماد بنیادی

نخستین رویکرد تفسیری در میان فریقین، بر اطلاق و عمومیت واژه امانت تأکید دارد؛ به این معنا که امانت صبغه‌ای همه‌جانبه دارد و تمام حقوق الهی و انسانی را دربرمی‌گیرد. طبرسی در *مجمع البیان* باتکیه بر اطلاق آیه،

معتقد است ادای امانت شامل هر حقی است که به صاحبش بازگردانده شود؛ خواه این صاحب حق خداوند باشد در قالب تکالیف شرعی، عقل و اعضا، و خواه مردم در قالب اموال و اسرار (همان). علامه طباطبایی نیز در *المیزان* همین رویکرد شمول‌گرا را پی می‌گیرد و تصریح می‌کند لفظ امانات در آیه، به سبب ورود الف و لام جنس بر آن، دلالت بر عموم دارد و هرآنچه خداوند یا بندگان به انسان سپرده‌اند را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۶۰۲). در تفاسیر اهل‌سنت نیز سیوطی در *الدر المنثور* با نقل روایاتی از ابن‌مسعود و براء بن‌عازب، دایره امانت را حتی به جزئی‌ترین مناسک عبادی همچون غسل جنابت، اقامه نماز و رعایت پیمانه‌های مالی گسترش می‌دهد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۲، ص۱۷۴). فخر رازی در *تفسیر کبیر* نیز این آیه را یک اصل کلی و جامع در شریعت می‌داند که تمامی تعهدات انسان در قبال خالق و مخلوق را پوشش می‌دهد (فخر رازی، ۲۰۰۰م، ج۱۰، ص۱۰۰). مکارم شیرازی در *تفسیر نمونه* بر همین عمومیت تأکید می‌ورزد و هرگونه سرمایه مادی و معنوی را که در اختیار فرد قرار می‌گیرد، واجد ماهیت امانی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۴۳۰). خشنودی نیز در پژوهش خود، از این رویکرد دفاع کرده و امانت را مفهومی فراگیر و بنیادین در نظام حقوقی اسلام معرفی نموده است (خشنودی، ۱۳۹۲).

این نگاه شمول‌گرا؛ امانت را به‌عنوان یک اصل ثابت و لایتغیر معرفی می‌کند که بر اساس آن، هیچ حوزه‌ای از زندگی فردی و اجتماعی انسان از شمول آن خارج نیست. درواقع، مفسران فریقین بر این نکته اتفاق نظر دارند که الف و لام در الأمانات، لام جنس است نه لام عهد؛ و از همین رو، آیه یک قاعده کلی تأسیس می‌کند نه حکمی جزئی و موردی.

از منظر جامعه‌شناختی، این شمول‌گرایی تفسیری، زیربنای شکل‌گیری آن چیزی است که در ادبیات علوم اجتماعی معاصر با عناوین مختلفی از آن یاد شده است. گیدنز از این مفهوم با عنوان اطمینان وجودی یاد می‌کند و آن را بنیادی‌ترین لایه اعتماد در زندگی اجتماعی می‌داند که بدون آن، کنش‌های روزمره انسان‌ها با بحران مواجه می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۲، ص۶۱). اسلانر نیز همین مفهوم را با عنوان اعتماد اخلاقی بازخوانی و آن را اعتمادی تعریف می‌کند که نه بر تجربه شخصی با افراد خاص؛ بلکه بر یک باور کلی و تعمیم‌یافته به خیرخواهی دیگران استوار است (اسلانر، ۱۳۸۶، ص۶۶). زمانی که امانت‌داری نه به‌عنوان یک قرارداد مقطعی میان دو طرف؛ بلکه به‌عنوان یک تکلیف عام و مطلقِ الهی در جامعه نهادینه شود، شالوده اعتماد عمومی شکل می‌گیرد. درحقیقت، اطلاقِ فرمان الهی در این آیه، به دنبال ایجاد یک فرهنگ اعتماد است؛ مفهومی که زتومکا آن را فضای فرهنگی حاکم بر جامعه‌ای می‌داند که در آن، اعتماد کردن به‌عنوان یک هنجار پذیرفته‌شده عمل می‌کند و افراد بدون نیاز به تضمین‌های بیرونی، انتظار رفتار قابل اتکا از دیگران را دارند (Sztompka, 2000, p70).

در چهارچوب نظریه سیستم‌های اجتماعی، اعتماد سازوکاری برای کاهش پیچیدگی اجتماعی است. به باور لومان، در جوامع پیچیده، انسان‌ها با حجم عظیمی از عدم تعین و عدم قطعیت مواجه‌اند و اعتماد ابزاری است که با ساده‌سازی انتظارات، امکان کنش اجتماعی را فراهم می‌آورد (Luhmann, 1979, p6). اگر این نظریه را با رویکرد شمول‌گرای مفسران تطبیق دهیم، فرمان عام قرآنی مبنی بر ادای همه امانات، دقیقاً همان کارکرد کاهش عدم تعین اجتماعی را ایفا می‌کند. وقتی یک نظام ارزشی به تمام اعضای جامعه اعلام می‌دارد که هرگونه دارایی مادی یا معنوی که در اختیار شماست، ماهیتاً امانت است و بازگرداندن آن به صاحبش واجب قطعی است، درواقع یک چهارچوب رفتاری تعمیم‌یافته ایجاد می‌کند که قابلیت پیش‌بینی رفتارها را در سطح کلان جامعه افزایش می‌دهد. در چنین نظامی، نظام حکمرانی امانت‌محور پیش از آنکه بر ابزارهای نظارتی بیرونی و سازوکارهای تنبیهی متکی باشد، بر یک نظام معنایی درونی استوار است که در آن هر کنشگر اجتماعی، خود را امین دارایی‌های مادی و معنوی جهان پیرامونش می‌بیند.

در این چهارچوب تحلیلی، رویکرد شمول‌گرای مفسران فریقین نسبت به مفهوم امانت، با مفهوم اعتماد تعمیم‌یافته در جامعه‌شناسی معاصر هم‌سو است. چلبی در تحلیل نظم اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته را زیربنای انسجام اجتماعی در جوامع پیچیده می‌داند و معتقد است بدون وجود چنین اعتمادی، نهادهای اجتماعی با بحران مشروعیت مواجه خواهند شد (چلبی، ۱۳۷۵، ص۱۲۸). از این منظر، آیه ۵۸ سوره نساء با تأسیس اصل عمومیت امانت، سنگ بنای یک نظم اجتماعی مبتنی بر اعتماد را پی‌ریزی می‌کند؛ نظمی که در آن، تعهد به امانت، نه یک انتخاب شخصی؛ بلکه یک فریضه دینی و یک هنجار اجتماعی فراگیر است و همین فراگیری و اطلاق است که ظرفیت تولید اعتماد بنیادی را در سطح کلان جامعه فراهم می‌آورد.

۲-۱-۶. دیدگاه دوم: امانت در قامت حکمرانی و زمامداری

در این دیدگاه؛ امانت به مثابه یک مسئولیت سیاسی و حاکمیتی نگریسته می‌شود. مفسران فریقین بر این باورند که پیوند میان «ادای امانت» و «حکم به عدالت» در آیه ۵۸، مستقیماً به مسئله حکومت اشاره دارد. صاحب *المیزان* تصریح می‌کند که فقره دوم آیه (حکم به عدل) مخاطبی عمومی دارد و نشان‌دهنده این است که مناصب حکومتی؛ امانت‌هایی در دست زمامداران هستند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۶۰۲). در *تفسیر نمونه* نیز این دو قانون (حفظ امانت و عدالت)، زیربنای یک جامعه سالم دانسته شده‌اند که حتی در امور کوچکی چون قضاوت میان دو کودک نیز جاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۴۳۰). در همین راستا، صاحب *مجمع البیان* به نقل از زیدبن‌اسلم و شهربن‌حوشب، مقصود آیه را زمامدارانی می‌داند که باید مردم را به راه دین و شریعت وادارند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج۳، ص۹۸). در *تفسیر کبیر* نیز بر این پیوند تأکید شده که حکم به عدالت،

خود نوعی ادای امانت است (رازی، ۲۰۰۰م، ج۱۰، ص۱۰۰) و حکومت و قضاوت نیز بزرگ‌ترین امانت‌ها شمرده شده‌اند که باید به شایسته‌ترین افراد سپرده شود (قرطبی، ۱۹۶۴م، ج۵، ص۲۶۳).

این نگاهِ تفسیری که حکومت را از ملکِ شخصی به امانتِ عمومی تغییر ماهیت می‌دهد، با نظریه «تفکیک یافتگی اجتماعی» نیکلاس لومان هم‌خوانی دارد. لومان معتقد است نظام سیاسی نباید کل جامعه را به خود یا به اقتصاد تقلیل دهد. او این نگاه را «بیش از اندازه ساده‌انگارانه» می‌داند (آراتو به نقل از لومان، ۱۹۹۴، ص۱۳۱-۱۳۲). از منظر لومان، نظام سیاسی باید خود را به‌عنوان بخشی از یک کلِ تفکیک‌یافته ببیند که در آن، خرده‌نظام‌های حقوق، علم و مذهب استقلال دارند (Luhmann,1982, p.333). این تحلیل، عمق نظریِ مضاعفی به تفسیر «امانت به حکومت» می‌بخشد؛ چراکه حاکم امین، بر اساس فرمان الهی «إِلَى أَهْلِهَا» موظف است که محدوده اختیارات خود را در چهارچوب عدالت و شایسته‌سالاری تعریف کند. مبنای این محدودسازی، فرمان الهی است که سپردن هر امانت به غیر اهلش را خیانت می‌شمارد. بنابراین حاکم نمی‌تواند در حوزه‌هایی که تخصص ندارد مداخله کند یا مناصب را به نااهلان بسپارد. مرز این محدودیت، همان «أَهْلِهَا» است؛ یعنی حاکم باید امانت هر حوزه را به اهل آن حوزه واگذار کند و از تمرکز قدرت در دست خود بپرهیزد؛ به‌نوعی که حاکمیت در چهارچوب اسلامی، قدرت سیاسی را از یک نیروی مسلط و مطلق، به یک «کارگزار امین» تقلیل می‌دهد که حق مداخله مستبدانه در حریم سایر نظامات و حقوق بنیادین مردم را ندارد. ازاین‌رو می‌توان گفت که سازوکار عملیاتی این محدودسازی، تفکیک کارکردی و سپردن هر مسئولیت به متخصصان آن حوزه است؛ همان گونه که در نظریه تفکیک‌یافتگی لومان، نظام سیاسی نباید در خرده‌نظام‌های علم، حقوق و مذهب مداخله مستقیم کند؛ بلکه باید روابط میان آنها را تنظیم نماید.

۳-۱-۶. دیدگاه سوم: امانت به مثابه معارف و تعالیم الهی

سومین رویکرد؛ امانت را ناظر به معارف، احکام و تعالیم الهی می‌داند که خداوند به پیامبران و امت‌ها سپرده است و آنان موظف به حفظ، عمل و ابلاغ آن هستند. این رویکرد؛ امانت را از ساحت مادی به ساحت معنوی و معرفتی ارتقا می‌دهد.

قرینه سیاقی این دیدگاه را می‌توان در آیات پیشین یافت. آیه ۵۱ سوره نساء از کسانی سخن می‌گوید که بهره‌ای از کتاب داده شده‌اند؛ اما به جبت و طاغوت ایمان آورده‌اند. این کتاب و آنچه در آن از معارف الهی است؛ امانتی است که باید به گوش مردم برسد و کتمان نشود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۵۷۶). براین‌اساس، کتمان حقایق دینی یا تحریف آنها، مصداق بارز خیانت در امانت الهی است.

روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز این برداشت را تأیید می‌کنند. حدیث ثقلین که در منابع معتبر فریقین نقل شده است، قرآن و عترت را دو امانت گران‌بهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نزد امت معرفی می‌کند: «إنّی تارک فیکم الثقلین أوّلهما کتاب الله... و أهل بیتی» (نیشابوری، بی‌تا، ج۴، ص۱۸۷۳ و ترمذی، بی‌تا، ج۵، ص۴۳۴). همچنین آیه ۲۷ سوره انفال، با نهی از خیانت به خدا و رسول، ترک واجبات و سنن نبوی را مصداق خیانت می‌شمارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص۷) این دیدگاه، جبرئیل را نیز که حامل وحی است، با وصف «الروح الأمین» معرفی می‌کند تا نشان دهد که وحی باید سالم و بدون آلودگی به خرافات، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برسد (شعراء:۱۹۳).

از منظر تحلیل اجتماعی، اگرچه مبانی معرفتی این دیدگاه با نظریه‌های جامعه‌شناختی انتقال فرهنگی متفاوت است؛ اما از حیث کارکرد اجتماعیِ انتقال ارزش‌ها و حفظ انسجام جمعی، می‌توان میان آنها نوعی مشابهت کارکردی مشاهده کرد. اعتماد، ریشه در وابستگی عاطفی دارد و تعاملات اظهاری (روابط گرم)، در انتقال عواطف و ارزش‌ها، نقش کلیدی ایفا می‌کنند (چلبی، ۱۳۷۵، ص۲۵۱). انتقال تعالیم و معارف الهی از نسلی به نسل دیگر، نوعی امانت‌داری فرهنگی است که بدون آن، هویت دینی جامعه از بین می‌رود. دورکیم نیز در نظریه مناسک معتقد است که افراد در جشن‌ها و مناسک دینی، ازطریق اعمال مشترک، نوعی همدلی با یکدیگر پیدا می‌کنند و این همدلی، اطمینان و اعتماد متقابل را ایجاد می‌کند (ترنر، ۱۳۷۱، ص۳۹۱). براین‌اساس، حفظ و انتقال معارف الهی، زیربنای انسجام معنوی و اعتماد متقابل در جامعه دینی است. معارف الهی در این چهارچوب، به‌نوعی همان «نظام معنایی» هستند که با کاهش عدم قطعیت ارزشی، به افراد جهت می‌بخشند و امکان همکاری مبتنی بر ارزش‌های مشترک را فراهم می‌سازند.

۴-۱-۶. دیدگاه چهارم: مفهوم «اهل» و شایسته‌سالاری در سپردن امانت

چهارمین رویکرد، تمرکز را از ماهیت امانت، به هویت صاحبان امانت منتقل می‌کند. پرسش اصلی این دیدگاه آن است که «أهلها» چه کسانی هستند؟ و معیارهای شایستگی برای تصدی امانت کدام است؟ در تفاسیر شیعی، مصداق بارز و اتمّ «اهل»، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که امانت رهبری امت باید به آنان بازگردانده شود (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج۲، ص۳۵۵ و طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج۳، ص۹۸). این مصداق خاص، مانع از تعمیم قاعده شایسته‌سالاری نیست؛ بلکه اصل را بنیان می‌نهد. هر امانتی صاحبی دارد و هرکس که لیاقت و استعداد کاری را دارد، اهلِ آن محسوب می‌شود. پیشی گرفتن نااهلان بر صالحان در مسئولیت‌های اجتماعی، خیانت به خدا و رسول و مؤمنان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج۳، ص۸۸). روایتی صریح از امام علی علیه‌السلام این معیار را روشن می‌سازد: «مَن تَقَدَّمَ عَلَی قَوْمٍ وَ هُوَ یَرَی أَنَّ فِیهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُؤْمِنِینَ؛ هرکس بر گروهی پیشی گیرد درحالی‌که می‌داند در میان آنان کسی شایسته‌تر از او وجود دارد، به خدا و پیامبر و مؤمنان خیانت کرده است» (امینی، ۱۳۶۸،

ج۸، ص۲۹۱). این روایت، تصدی مسئولیت بدون شایستگی را مصداق صریح خیانت در امانت می‌شمارد.
بررسی و تدقیق بیشتر در واژه «اهل» نیز این برداشت را تأیید می‌کند. «اهل» کسانی هستند که پیوند و جامع مشترکی آنها را گرد هم آورده است؛ مانند اهل کتاب، اهل علم و اهل فن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۱۹). در آیه مورد بحث، «أهلها» به معنای کسانی است که صلاحیت و شایستگی تصدی آن امانت خاص را دارند؛ نه هرکسی که مدعی آن باشد. قرآن این معیار را در داستان‌های انبیا نیز برجسته کرده است: موسی علیه‌السلام به دلیل قوت و امانت برای کار برگزیده شد (قصص:۲۶) و یوسف علیه‌السلام به دلیل حفاظت و علم، خزانه‌داری مصر را به عهده گرفت (یوسف:۵۵). این دیدگاه، با مفهوم تفکیک کارکردی در نظریه لومان منطبق است. تفکیک یافتگی خرده‌نظام‌ها اجازه می‌دهد که هر حوزه، به اهل و متخصص آن سپرده شود و دولت از مداخلات غیرتخصصی بپرهیزد (Luhmann, 1982, p128)). در منطق آیه ۵۸، «أهلها» نه صرفاً یک شخص؛ بلکه شایستگی‌های متناسب با هر حوزه است. حاکم امین کسی است که نه‌تنها خود اهل باشد؛ بلکه روابط میان خرده‌نظام‌ها را به‌گونه‌ای تنظیم کند که هر مسئولیت، به متخصص آن حوزه واگذار شود.

این الگو، با نظریه کارگزاری[1] در علوم اجتماعی نیز هم‌سو است؛ جایی که رعایت امانت در قبال موکل (خداوند و مردم)، تنها با سپردن امور به افراد شایسته محقق می‌شود. سپردن کار به نااهل، نه‌تنها یک خطای اخلاقی؛ بلکه یک انحراف ساختاری است که منجر به فروپاشی اعتماد اجتماعی و سرمایه نهادی جامعه می‌گردد. فوکویاما نیز بر این باور است که اشکال مختلف سرمایه اجتماعی، مردم را قادر می‌سازد که به یکدیگر اعتماد کنند و هرچه روابط برون‌گروهی با آثار مثبت تقویت شود، بر شعاع اعتماد اجتماعی افزوده می‌گردد (امیرکافی، ۱۳۸۰، ص۱۲-۱۳). بر اساس مطالب مذکور و در شبکه معنایی قرآن؛ امانت‌داری یک توصیه اخلاقی منزوی صرف محسوب نمی‌شود؛ بلکه بخشی از هویت مؤمن است. قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت امانت تأکید کرده است؛ ازجمله:

الف) امانت‌داری در معاملات مالی: آیه ۲۸۳ سوره بقره با عبارت ﴿فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ﴾ بر ضرورت بازگرداندن امانت‌های مالی تأکید دارد. صاحب *مجمع البیان* این آیه را ناظر به مسئولیت امین در حفظ و بازپس‌دادن اموال مورد امانت می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۲، ص۷۸۹).

ب) امانت‌داری به‌عنوان ویژگی مؤمنان: آیات ۸ سوره مؤمنون و ۳۲ سوره معارج می‌فرمایند: «﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾؛ کسانی که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند از رستگاران و نمازگزاران واقعی هستند». در *تفسیر نمونه*، این صفت از شاخصه‌های اساسی شخصیت اسلامی برشمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۴، ص۲۳۶).

1.Agency Theory

ج) ارتباط عدالت و تقوا: آیه ۸ سوره مائده با عبارت ﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ پیوند ناگسستنی بین عدالت‌ورزی و تقوا را ترسیم می‌کند. علامه طباطبایی این آیه را بیانگر درجه بالای ارزش عدالت در نظام اخلاقی اسلام می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج۵، ص۳۲۱).

د) عدالت به‌عنوان فرمان الهی: آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾. در تفسیر ابن‌کثیر، این آیه محور اصلی شریعت اسلام در روابط اجتماعی معرفی شده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۴، ص۵۶۲).

بررسی این آیات همسو در کنار هم نشان می‌دهند که در منطق قرآن، «نظام حکمرانی امانت‌محور» بر پایه سه رکن امانت‌داری، عدالت‌ورزی و تقوا بنا شده و شبکه معنایی امانت در قرآن، از حوزه فردی (معاملات مالی) تا هویت جمعی (ویژگی مؤمنان) و از ساحت اخلاقی (تقوا) تا ساختار حکمرانی (عدالت) گسترده است؛ به‌طوری‌که چهار دیدگاه تفسیری پیشین را تأیید می‌کند.

۷. جمع‌بندی و تحلیل تلفیقی: الگوی نظام حکمرانی امانت‌محور

در این بخش، یافته‌های تفسیری در قالب یک الگوی تلفیقی صورتبندی شده و با سنجش تطبیقیِ چهار رویکردِ شمول‌گرایی، حکمرانی، معرفت‌محوری و شایسته‌سالاری، «نظام حکمرانی امانت‌محور» در سه سطحِ ارزشی، نهادی و کارگزاری تبیین می‌گردد.

تحلیل تطبیقی چهار دیدگاه تفسیری نشان می‌دهد که این رویکردها مکمل یکدیگرند و درمجموع، یک نظام منسجم حکمرانی را ترسیم می‌کنند. دیدگاه اول با تأکید بر شمول‌گرایی، زیربنای ارزشی و هنجاری نظام امانت را بنیان می‌نهد. دیدگاه دوم با تمرکز بر حکمرانی، بُعد ساختاری و نهادی آن را روشن می‌سازد. دیدگاه سوم با تأویل امانت به معارف الهی، بُعد معرفتی و فرهنگی را می‌افزاید و دیدگاه چهارم با تأکید بر شایسته‌سالاری، معیارهای عملیاتی سپردن امانت را تعیین می‌کند.

از منظر جامعه‌شناختی، اگرچه شالوده‌های معرفت‌شناختیِ گفتمان وحیانی و گفتمان جامعه‌شناسی مدرن، تفاوت‌های بنیادین دارند؛ اما می‌توان میان ابعاد چهارگانه مستخرج از آیه و نظریات اعتماد اجتماعی، نوعی «هم‌ارزی کارکردی» و «تقاطع مضمونی» را ردیابی کرد. براین‌اساس، این چهار بُعد با ابعاد چهارگانه اعتماد اجتماعی در ادبیات معاصر قابل تطبیق است: اعتماد بنیادی (گیدنز)، اعتماد نهادی (لومان)، اعتماد فرهنگی (زتومکا) و اعتماد مبتنی بر شایستگی (باربر). آیه ۵۸ سوره نساء با تأسیس این چهار رکن، فراتر از یک حکم اخلاقی صرف، درصدد بنای یک «نظام حکمرانی امانی» است که در آن:

الف) امانت، مفهومی فراگیر است که همه حقوق الهی و انسانی را دربرمی‌گیرد (شمول‌گرایی).

ب) حکومت؛ امانتی الهی است نه ملک شخصی، و حاکم، امین مردم است نه مالک آنان (امانت حکومتی).

ج) معارف دینی؛ امانتی نسل به نسل است که حفظ و انتقال آن واجب است (امانت معرفتی). براین‌اساس مسئولیت‌ها باید به شایستگان سپرده شود و تصدی نااهلان خیانت است (شایسته‌سالاری). این الگو با چالش‌های حکمرانی و اعتماد اجتماعی در جهان معاصر نیز سازگاری دارد.

د) بحران اعتماد به نهادهای حکومتی، فساد اداری، و شکاف میان دولت و ملت، همگی ریشه در نقض همین اصول دارند.

بازخوانی آیه ۵۸ سوره نساء با رویکرد بین‌رشته‌ای نشان می‌دهد که قرآن کریم، قرن‌ها پیش از نظریه‌پردازان مدرن، راه حل این چالش‌ها را در قالب یک نظام معنایی منسجم ارائه کرده است.

۸. مدل مفهومی پژوهش: نظام حکمرانی امانت‌محور

بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان الگوی مفهومی «نظام حکمرانی امانت‌محور» را در قالب زیر ترسیم کرد. این الگو، چهار رکن اصلی دارد که هریک از دیدگاه‌های تفسیری فریقین استخراج شده و با نظریات جامعه‌شناختی معاصر تطبیق یافته است:

الف) بنیاد ارزشی (شمول‌گرایی امانت): این رکن ناظر به آن است که امانت مفهومی فراگیر است و هرگونه حق مادی و معنوی، فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. در این لایه، یک نظام معنایی شکل می‌گیرد که در آن هر کنشگر اجتماعی، خود را امین دارایی‌های پیرامونش می‌بیند. این رکن با مفهوم «اعتماد تعمیم‌یافته» و «فرهنگ اعتماد» در نظریات زتومکا، گیدنز و چلبی هم‌خوانی دارد. کارکرد اصلی این رکن، کاهش عدم تعین اجتماعی و افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتارهاست.

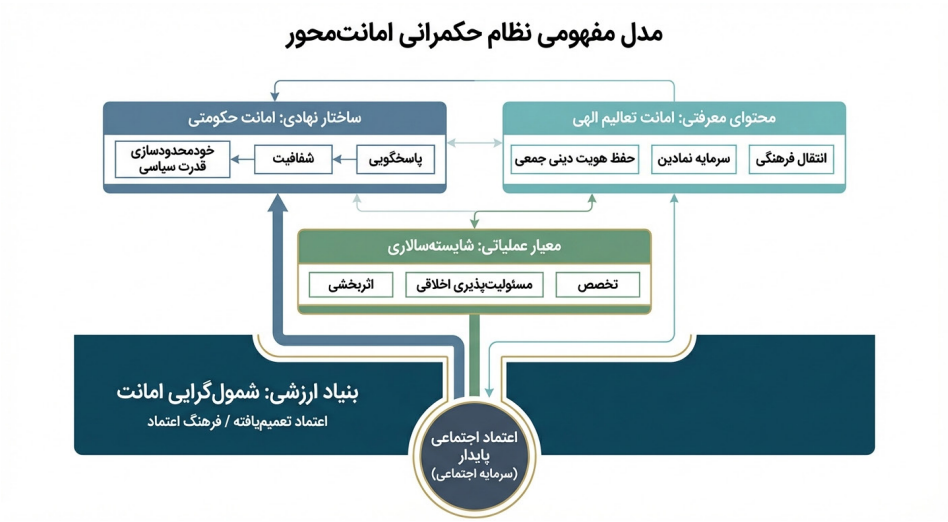
ب) ساختار نهادی (امانت حکومتی): این رکن ناظر به آن است که حکومت و مناصب عمومی؛ امانت الهی و مردمی هستند نه ملک شخصی. حاکم امین مردم است و موظف به پاسخ‌گویی، شفافیت و عدالت. این رکن با مفهوم «تفکیک‌یافتگی اجتماعی» و «خودمحدودسازی نظام سیاسی» در نظریه لومان و نیز با مفهوم «حکمرانی خوب» در ادبیات معاصر مشابهت کارکردی دارد. کارکرد اصلی این رکن، تنظیم رابطه دولت و ملت بر اساس اعتماد متقابل است.

ج) محتوای معرفتی (امانت تعالیم الهی): این رکن ناظر به آن است که معارف، احکام و ارزش‌های دینی؛ امانتی نسل به نسل هستند که باید حفظ، عمل و منتقل شوند. کتمان یا تحریف این معارف، خیانت در امانت الهی است. این رکن باوجود تفاوت‌های معنایی، از حیث کارکرد اجتماعی با مباحث «انتقال فرهنگی»، «سرمایه نمادین» و «نهادینه‌سازی ارزش‌ها» در جامعه‌شناسی معاصر تا حدی همپوشانی دارد. کارکرد اصلی این رکن، حفظ انسجام معنوی و هویت جمعی جامعه دینی است.

د) معیار عملیاتی (شایسته‌سالاری): این رکن ناظر به آن است که امانات باید به «اهلش» سپرده شود؛ یعنی کسانی که هم توانایی تخصصی و هم امانت‌داری اخلاقی دارند. تصدی مسئولیت بدون شایستگی، خیانت در امانت است. این رکن با مفهوم «تفکیک کارکردی» در نظریه لومان، «نظریه کارگزاری» در علوم اجتماعی، و مفهوم «شایسته‌سالاری»[1] در ادبیات حکمرانی نزدیک است و در جهاتی همخوانی دارد. کارکرد اصلی این رکن، تضمین کارآمدی و اثربخشی نظام اجتماعی است.

روابط میان ارکان: این چهار رکن، در یک رابطه تعاملی و سلسله‌مراتبی با یکدیگر قرار دارند. رکن اول (بنیاد ارزشی) بستر فرهنگی را فراهم می‌کند که بدون آن، سه رکن دیگر قابل تحقق نیستند. رکن دوم (ساختار نهادی) چهارچوب سازمانی را ایجاد می‌کند که در آن ارزش‌ها به قوانین و رویه‌ها تبدیل می‌شوند. رکن سوم (محتوای معرفتی) جهت‌گیری و مأموریت نظام را تعیین می‌کند. و رکن چهارم (شایسته‌سالاری) تضمین‌کننده اجرای صحیح است. نقص در هریک از این ارکان، کل نظام را با بحران مواجه می‌کند. تحقق همزمان این چهار رکن، به شکل‌گیری «اعتماد اجتماعی پایدار» می‌انجامد. این اعتماد، نه اعتمادی موقتی و مقطعی؛ بلکه اعتمادی نهادینه‌شده است که بر اساس آن، مردم به نهادهای حکومتی، حاکمان به مردم، و همگان به یکدیگر اعتماد می‌کنند. این همان «سرمایه اجتماعی» است که فوکویاما آن را زیربنای توسعه پایدار می‌داند (فوکویاما، ۱۳۸۵، ص۶).

مدل مفهومی نظام حکمرانی امانت‌محور



1 . Meritocracy

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی- تحلیلی و بین‌رشته‌ای، به بررسی تفسیری عبارت «تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» در آیه ۵۸ سوره نساء از منظر مفسران فریقین پرداخت و یافته‌های تفسیری را با نظریات جامعه‌شناختی معاصر درباره اعتماد اجتماعی تطبیق داد. نتایج این پژوهش را می‌توان در محورهای زیر جمع‌بندی کرد:

۱. مطالعه تطبیقی تفاسیر فریقین نشان داد که آرای مفسران در ذیل این آیه، حول چهار رویکرد اصلی سامان یافته است: شمول‌گرایی در مفهوم امانت، تفسیر امانت به حکومت و زمامداری، تأویل امانت به تعالیم و معارف الهی، و تمرکز بر شایسته‌سالاری و شناسایی صاحبان امانت. این چهار دیدگاه، هرچند در ظاهر متفاوت به نظر می‌رسند؛ اما در تحلیل عمیق‌تر، مکمل یکدیگرند و هریک بُعدی از ابعاد گسترده مفهوم امانت را روشن می‌سازند.

۲. تحلیل بین‌رشته‌ای این دیدگاه‌ها آشکار ساخت که مفاهیم قرآنی آیه ۵۸ سوره نساء، با نظریات جامعه‌شناختی معاصر درباره اعتماد اجتماعی، مشابهت‌های کارکردی قابل‌توجهی دارد. شمول‌گرایی تفسیری، با مفهوم «اعتماد تعمیم‌یافته» و «فرهنگ اعتماد» در نظریات زتومکا و گیدنز قابل تحلیل و تطبیق است. تفسیر حکومتی امانت، با نظریه «تفکیک‌یافتگی اجتماعی» و «خودمحدودسازی نظام سیاسی» در آراء لومان سازگاری دارد، و شایسته‌سالاری قرآنی به‌نوعی می‌تواند با نظریه «کارگزاری» و «تفکیک کارکردی» در علوم اجتماعی معاصر هم‌سو باشد.

۳. یافته‌های پژوهش نشان داد که آیه ۵۸ سوره نساء، فراتر از یک حکم اخلاقی فردی، درصدد بنای یک «نظام حکمرانی امانت‌محور» است. در این نظام؛ امانت مفهومی فراگیر است که همه حقوق الهی و انسانی را پوشش می‌دهد. براین‌اساس، حکومت امانتی الهی است نه ملک شخصی؛ معارف دینی، میراثی نسل به نسل هستند که حفظ و انتقال آنها واجب است؛ و مسئولیت‌ها باید به شایستگان سپرده شود. این چهار رکن درمجموع، الگویی از حکمرانی را ترسیم می‌کنند که مبتنی بر اعتماد متقابل میان دولت و ملت است.

۴. الگوی استخراج‌شده از این پژوهش، ظرفیت نظری برای تبیین و مواجهه با برخی چالش‌های مرتبط با حکمرانی و اعتماد اجتماعی در جوامع معاصر را داراست. بحران اعتماد به نهادهای حکومتی، گسترش فساد اداری، شکاف میان دولت و ملت، و فروپاشی سرمایه اجتماعی، همگی ریشه در نقض اصول امانت‌داری دارند. بازخوانی آیه ۵۸ سوره نساء با رویکرد بین‌رشته‌ای نشان می‌دهد که قرآن کریم، قرن‌ها پیش از نظریه‌پردازان مدرن، راه حل این چالش‌ها را در قالب یک نظام معنایی منسجم ارائه کرده است.

در پایان پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی به بررسی سازوکارهای عملیاتی پیاده‌سازی این الگو در نظام‌های حکمرانی معاصر بپردازند. همچنین مطالعه تطبیقی این الگوی قرآنی با نظریات حکمرانی خوب، حکمرانی شبکه‌ای و حکمرانی مشارکتی می‌تواند افق‌های جدیدی را برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بگشاید.

فهرست منابع

قرآن کریم (۱۳۸۹ش)، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.

نهج‌البلاغه (۱۳۷۹ش)، ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین.

۱. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۲. ازهری، محمدبن احمد (۱۳۸۰ق)، **تهذیب اللغة**، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۳. اسلانر، اریک ام (۱۳۸۶ش)، «اعتماد اخلاقی به‌عنوان شالوده اعتماد عام»، ترجمه:عبدالرضا ادهمی. در: **مجموعه مقالات اعتماد اجتماعی**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۴. امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰ش)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، **نمایه پژوهش**، سال پنجم، ش۱۸، ص۳۹-۴۰.

۵. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۸ش)، **الغدیر**، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.

۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسة البعثة.

۷. ترمذی، محمدبن عیسی (بی‌تا)، **سنن الترمذی**، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۸. ترنر، جاناتان (۱۳۷۱ش)، **ساخت نظریه جامعه‌شناختی**، ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید.

۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، «امانت‌داری»، مجله **پاسدار اسلام**، ش۳۲۹، ص۶-۱۰.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۴۴ق)، **الحق و التکلیف في الإسلام**، کربلای معلی: العتبة العباسیة المقدسة، قسم الشئون الفکریة والثقافیة، المرکز الإسلامی للدراسات الاستراتیجیة.

۱۱. چلبی، مسعود (۱۳۷۵ش)، **جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**، تهران: نشر نی.

۱۲. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**، بیروت: دار الفکر.

۱۳. خشنودی، هادی (۱۳۹۲ش)، «امانت‌داری و آثار فردی و اجتماعی آن در اخلاق و فقه»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

۱۴. درویشی، فاطمه (۱۳۹۵ش)، «حاکم شایسته از منظر نهج‌البلاغه»، پایگاه **کوثر بلاگ**.

۱۵. رازی، فخرالدین محمدبن عمر (۲۰۰۰م)، **التفسیر الکبیر** (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش)، **مفردات الفاظ القرآن**، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دار الشامیة.

۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷ش)، **تفسیر قرآن مهر**، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۱۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. ـــــــــــــــــ (۱۳۹۳ش)، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲ش)، **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، تهران: فراهانی.
۲۳. ـــــــــــــــــ (۱۳۶۷ش/۱۴۰۸ق)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفة.
۲۴. طبری، محمدبن‌جریر (۱۴۲۲ق)، **تفسیر الطبري؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، قاهره: انتشارات هجر.
۲۵. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵ش)، **پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه: غلام‌عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۲۶. فیض کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی (۱۳۷۳ش/۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، تهران: مکتبة الصدر.
۲۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۸. قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۱ش)، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۹. قرطبی، محمدبن‌احمد (۱۹۶۴م)، **الجامع لأحکام القرآن**، قاهره: دار الکتب المصریة.
۳۰. ـــــــــــــــــ (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۱. قمی، علی‌بن‌ابراهیم (۱۳۶۳ش/۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب.
۳۲. کلمن، جیمز (۱۳۷۷ش)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۳۳. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲ش)، **تجدد و تشخص**، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۳۵. کریمی، فرهاد (۱۴۰۲ش)، «تحلیل متنی سندی روایات جری و تطبیق پیرامون آیه ۵۸ سوره نساء»، دوفصلنامه علمی **مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی فروغ وحدت**، سال هجدهم، دوره جدید، ش۵۹، ص۶۱-۷۸.
۳۶. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، **التفسیر الکاشف**، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۳۷. معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸ش)، «اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: مطالعه موردی شهر ارومیه»، **جامعه‌شناسی تاریخی**، سال اول، ش۱، ص۴۷-۶۷.
۳۸. مفید، محمدبن‌محمد (۱۳۸۲ش/۱۴۲۲ق)، **تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید**، قم: بوستان کتاب.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰ش)، **شرح زیارت جامعه کبیره یا تفسیر قرآن ناطق**، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۱. نیشابوری، مسلم‌بن‌حجاج (بی‌تا)، **صحیح مسلم**، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
42. Arato, Andrew. (1994). "Civil Society and Political Theory in the Work of Luhmann and Beyond." New German Critique, 61, 129-142.
43. Luhmann, Niklas. (1979). Trust and Power. Chichester: John Wiley & Sons.
44. Luhmann, Niklas. (1982). Differentiation of Society. Trans. Stephen Holmes and Charles Larmore. New York: Columbia University Press.
45. Sztompka, Piotr. (2000). Trust: A Sociological Theory. Cambridge: Cambridge University Press.